

دیدگاه مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف

مریم شهرکی سربند

دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

اردشیر اسدیگی

گروه الهیات- تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

محمد علی احمدیان

گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۱۰ دوره ۲۰ شماره ۷۸ پاییز ۱۴۰۴ صفحه ۱۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱

چکیده

قرآن کریم به عنوان موثق ترین منبع در نزد مسلمانان، پیش از هر چیز، کتاب هدایت، تربیت و حکمت آموزی است و قصص قرآنی در خدمت اهداف هدایتی آن قرار گرفته اند. داستان اصحاب کهف یکی از قصص مشهور در قرآن کریم است که همواره در طول ادوار گذشته مورد توجه مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان اسلامی بوده و دیدگاه های و تحلیل های متفاوتی در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف از سوی آنان ارائه شده است. این نظریات متفاوت سه گروه مذکور در مورد زمان و مکان و آیین اصحاب کهف انگیزه ای گردید تا در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده شود که دیدگاه و نظریات مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان نسبت به مکان، زمان و آیین اصحاب کهف چگونه است؟ نتایج بررسی ها حاکی از آن است که مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در باب سه موضوع اصلی مرتبط با ماجرای اصحاب کهف دیدگاه های متفاوتی ارائه کرده اند. برخی از پژوهشگران وقوع این رخداد را در دوره فترت، (فاصله میان بعثت حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)) و برخی در پس از ظهور حضرت مسیح (ع) صحیح دانسته اند. در رابطه با مکان اصحاب کهف عمده منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیایی، اجماع نظری بر این امر دارند که این واقعه در شهری به نام «افسوس» واقع در قلمرو روم رخ داده است. در رابطه با آیین اصحاب کهف غالب دیدگاه های موجود تأکید دارند که آنان گروهی از مردان موحد و خداپرست بوده اند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل این نظرات پرداخته است.

واژگان کلیدی: اصحاب کهف، مورخین، مفسرین، جغرافی نویسان، آیین اصحاب کهف.

درآمد

قصص قرآنی نه تنها دارای زیبایی‌های بی‌نظیر در زمینه ادبیات و اسطوره‌شناسی هستند، بلکه دارای پیام‌های عمیق و ارزشمندی در زمینه تربیت و عبرت انسان‌ها نیز می‌باشند. این قصه‌ها با نشان دادن مثال‌های ارزشمند از کرامت، شجاعت، صداقت، تواضع و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی دیگر، به ما یادآوری می‌کنند که چگونه باید در زندگی و با دیگران رفتار کرد. هر قصه‌ای که در قرآن آمده است، دارای یک پیام یا عبرت خاص است که انسان را به تفکر وادار می‌دارد. سوره کهف، یکی از سوره‌های پرمعنای قرآن کریم است که اختلاف نظرانی در مورد برخی ابعاد آن چون داستان اصحاب کهف خصوصاً مکان، زمان و آیین ایشان مطرح می‌باشد. این سوره داستان گروهی از جوانانی را روایت می‌کند که به دلیل ایمان و توکل خود به خداوند، از فساد و شرارت زمان خود فرار می‌کنند و در غاری پناه می‌گیرند. مفسرین و مورخین و جغرافی‌نویسان در کتب خویش به بحث و گفتگو در مورد این واقعه‌ی تاریخی در قرآن پرداخته‌اند و جزئیاتی چون مکان، زمان و آیین اصحاب کهف را مورد بررسی قرار داده‌اند. محققین در این زمینه با نظرات مختلف در پی روشن شدن و دست یافتن به برخی مجهولات این داستان برآمدند. اختلاف نظرات در مورد مکان، زمان و آیین ایشان در سوره کهف، از یک سو نشان از عمق و چگونگی نگاه محققین به متون قرآنی است و از سوی دیگر، از اهمیت و ارزش این سوره برای بررسی و تدبر آن برای ما مسلمانان می‌نماید. روایات فراوانی در منابع در خصوص داستان اصحاب کهف دیده می‌شود که بعضی از نظر سند قابل اعتماد نیستند و برهمین اساس میان بعضی از آن‌ها تضاد و اختلاف ایجاد شده است. پژوهش‌های گوناگونی در خصوص اصحاب کهف صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه، حیدری، شریفی و حلیمی جلودار (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان "اصحاب کهف؛ روایتی مسیحی یا قصه‌ای قرآنی؟". این مقاله به نقد و بررسی دیدگاه خاورشناسانی که داستان اصحاب کهف را اقتباسی از روایت‌های مسیحی می‌دانند، پرداخته است. نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت‌های میان روایت‌های مسیحی و قرآنی از این داستان را بررسی کرده‌اند. پاکتچی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «آزمونی برخوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب»، با تکیه بر اطلاعاتی که در منابع درباره موطن اصحاب کهف، مدت خواب اصحاب کهف، نام پادشاه جباری که در زمان او به خواب رفتند و نام پادشاه مؤمنی که در زمان او از خواب برخاستند کوشش نموده است تا امکان تطبیق روایات با قطعیات ذکر شده در قرآن کریم سنجیده شود. تیموری (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی سبک بیان قصه اصحاب کهف در قرآن و کتب مقدس»؛ در جمع‌بندی کلی از مباحث پایان‌نامه‌ی مذکور معلوم می‌شود که وقوع حادثه اصحاب کهف قطعی بوده و ادیان در مورد کلیت حادثه متفق هستند و باید دانست که خوابیدن آن جوانان در غار حکمت

و مصلحتی در بر داشته و برانگیخته شدن آنها نیز با مصلحت دیگری همراه بوده است. یوسفی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان « بررسی عناصر قصه در داستان اصحاب کهف»، به این نتیجه می‌رسد که شخصیت‌های داستان اصحاب کهف محملی هستند که خواست و اراده خداوند متعال در آنها متجلی می‌شود و اجزای داستان اصحاب کهف بر اساس رابطه علی و معلولی دارای پیوند زنده و محکم با یکدیگرند. با توجه به اختلاف نظرهایی که در روایات، آثار مکتوب موجود از مفسران، مورخان، جغرافی نویسان برجای مانده، اهمیت پرداختن به پژوهش‌های مقایسه‌ای و تطبیقی برای روشن شدن این ابهامات و رفع خلأهای موجود در این زمینه وضوح بیشتری می‌یابد. حال این سؤال مطرح می‌شود که به‌واقع دیدگاه مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان در مورد مکان، زمان و آیین اصحاب کهف چگونه است؟ در این راستا با رویکرد توصیفی و تحلیلی تلاش شده است به سؤال تحقیق پاسخ داده شود.

مروری بر داستان اصحاب کهف

داستان اصحاب کهف در هجدهمین سوره قرآن کریم سوره کهف در آیات ۹ تا ۲۶ ذکر گردیده است. ماجرای گروهی از جوانان مومن که برای حفظ ایمان خویش از ظلم حاکم زمان خود به سوی غاری پناه می‌برند را بیان می‌دارد. خداوند متعال در آیه ۹ چنین داستان را آغاز می‌نماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا». (آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه‌هایی شگفت انگیزتر از اصحاب کهف است.]). علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش سخن امام صادق(ع) را در مورد اصحاب کهف چنین بیان میدارد: آنها در زمان پادشاه جبار و گردنکشی بودند که اهل کشور خود را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد و در صورت عدم اجابت به قتل می‌رساند. جمعیتی باایمانی که ایمان خویش را پنهان می‌نمودند تا زمانی که تصمیم به ترک شهر خویش نمودند پس به بهانه‌ای از شهر خارج شدند. در راه چوپانی را دیدند که به همراهش سگی بود، سگ به آنان ملحق شد. آنان در پایان روز وارد غاری شدند و به خواب عمیقی فرو رفتند. اصحاب کهف پس از خوابی طولانی بیدار شده و برای تهیه غذا فردی از میان خویش را به شهر فرستادند. آن فرد با تغییرات شهر و مردمانش متعجب شد و هنگامی که ماجرای یکتاپرستی مردم شهر را شنید به همراه پادشاه و عده‌ای از مردم به سوی غار رهسپار شد و در پایان آنان از خدا خواستند که آنها را در همان حال بمیراند. پادشاه آن زمان گفت: سزاوار است که ما در اینجا مسجدی بسازیم؛ زیرا آنها گروهی باایمان بودند (قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۱) این داستان در جهان مسیحی

اولین بار توسط ژاک ساروک^۱ (متولد ۱۹۵۲م) بیان گردید، چنانکه در زمان امپراتور دقیانوس^۲ (۲۴۹-۲۵۱م) هشت نوجوان اشراف زاده یکتا پرست از ترس ایمان خویش را در دل نهان داشته اما خبر مسیحی شدن آنان به گوش امپراتور رسید و او آنان را سخت آزار داد، جوانان برای حفظ جان خویش از شهر افسوس خارج و به غاری پناه بردند و پس از آن ماجرای خواب و بیداری چندین ساله آنان پیش می آید (Nicholas: 1985: ۱۴۵-۱۵۶). داستان به صورت دیگر نیز در متون غربی ذکر شده است چنانکه ادوارد گیبون^۳ آنان را هفت تن جوان اشراف زاده مسیحی اسیر امپراتور دیکئوس شدند و به سوی غاری در نزدیکی شهر افسوس پنهان شدند. امپراتور با اطلاع از موضوع دستور بستن دهانه غار را داد اما در این حال جوانان به خواب عمیقی رفتند و به مدت ۱۸۷ سال به اذن خداوند در خواب بودند (Gibbon: 1789-1776 266/2)

دیدگاه مفسرین و مورخین و جغرافی نویسان در مورد اصحاب کهف

روایات اسلامی، منابع تاریخی و جغرافیایی ضمن حفظ مضمون کلی داستان اصحاب کهف، شاخ و برگ‌هایی نیز بدان افزوده اند در این میان مبهم بیان شدن برخی از مباحث اصحاب کهف در قرآن کریم موجب ایجاد اختلاف میان مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان در طول ادوار گذشته گردیده که از جمله این نکات مبهم زمان و مکان وقوع و آیین این اشخاص می‌باشد. در ادامه بر اساس انواع دیدگاه‌ها به این سه بُعد پرداخته می گردد که بدین شرح است:

۱- زمان وقوع داستان اصحاب کهف

میان زمان وقوع حادثه اصحاب کهف اختلاف نظرانی در منابع به چشم می خورد. از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که اصحاب کهف در زمانی می‌زیستند که خداپرستی فراموش شده بود و حاکمی بت پرست به نام دقیانوس^۳ که در تاریخ با نام «دکیوس» یا «دیکیانوس» شناخته می‌شود و بین سالهای ۲۴۹-۲۵۱ میلادی حکومت داشته است؛ اما اینکه این داستان در چه برهه‌ای از زمان اتفاق افتاده، محل اختلاف است. بر این اساس در جدول (۱) تلاش شده است اغلب دیدگاه‌ها در این خصوص تجمیع گردد و در پایان یک نتیجه‌گیری برای آن ارائه شود:

۱. یا جیمز سروقی James Serugh به عنوان خلیفه کلیسای سوریه به امور مسیحیان می پرداخته است. (ستاری، ۱۳۷۶: ۷).

۲. decius

۳. decius

جدول ۱- دیدگاه مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در مورد زمان وقوع داستان اصحاب کهف

زمان وقوع	منبع روایت بر اساس قرن	روایت ذکر شده
بعد از ذوالقرنین	جامع البیان فی تفسیر القرآن (ابوجعفر محمد بن جریر طبری، قرن ۴)، (جلد ۴، ص ۹۴۰)	ایشان (اصحاب کهف) پس از ذوالقرنین بودند
قبل از بعثت حضرت موسی (ع)	تأویلات أهل السنة (ابومصنوع محمد بن محمد بن محمود ماتریدی، قرن ۴)، (جلد ۷، ص ۱۵۶)	بعضی همچون حسن و ابی بکر آورده اند که آنان قبل از بعثت حضرت موسی (ع) بوده اند. از قول حسن و ابی بکر آمده است که: قبل از حضرت موسی (ع) بود نشان صحیح تر است چرا که افرادی که از آن ها سؤال پرسیدند، اهل ثورات بودند، بنابراین احتمال نمی رود که بعد از عیسی (ع) بوده باشند و به انجیل ایمان نداشته باشند
ورود به غار قبل از حضرت عیسی (ع) و خروج از غار در فترت بین حضرت عیسی (ع) و پیامبر (ع)	التکت و العیون تفسیر الماوردی (ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، قرن ۴-۵)، (جلد ۳، ص ۲۸۸)	جوانان کهف قبل از حضرت عیسی (ع) به غار پناه بردند و سپس خداوند بعد از حضرت عیسی (ع) یعنی بین فترت او و نبی اکرم (ص) آنان را برانگیخت.
	حیاء الحيوان الکبری (کمال الدین دمیری، قرن ۱۴)، (جلد ۲، ص ۴۹)	ابن قتیبه وقوع حادثه را مربوط به قبل از میلاد مسیح (ع) دانسته است و می نویسد ایشان جوانانی از اهالی روم بودند که قبل از مسیح (ع) به غار پناهنده شدند و در آنجا خوابیدند و حضرت مسیح از آنان خبر داد و در فترت بین مسیح (ع) و پیامبر اسلام (ص) مجدداً به دنیا بازگشتند.
	مجمع البیان فی تفسیر القرآن (فضل بن حسن طبرسی، قرن ۵)، (جلد ۱۵، ص ۱۶)	برخی این حادثه را قبل از ظهور عیسی (ع) می دانند
	تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (محمدرضا قمی مشهدی، قرن ۴)، (جلو ۸، ص ۳۹)	اصحاب کهف قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) بوده اند
	الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (علی بن حسین ابن ابی جامع، قرن ۱۱-۱۲)، (ص ۳۸۶)	قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) وارد غار شده اند.
قبل از ظهور حضرت عیسی (ع)	المیزان فی تفسیر القرآن (سید محمد حسین طباطبائی، قرن ۱۴)، (جلد ۲، ص ۳۹۱)	از جمله اختلافات این است که در پارهای روایات دارد: پادشاه مزبور که اصحاب کهف از شر او فرار کردند اسمش دقیانوس (دیوکلیس ۶۸۵ م- ۳۱۵ م) پادشاه روم بوده. و در بعضی دیگر آمده که او ادعای الوهیت می کرده. و در بعضی آمده که وی دیقیوس (دسیوس ۶۴۹ م- ۶۵۱ م) پادشاه روم بوده، و بین این دو پادشاه ده سال فاصله است، و آن پادشاه اهل توحید را می کشته و مردم را به پرستش بت ها دعوت می کرده. و در بعضی از روایات آمده که مردی مجوسی بوده که مردم را به دین مجوس می خوانده در حالی که تاریخ نشان نمی دهد که مجوسیت در بلاد روم شیوع یافته باشد. و در بعضی روایات آمده که اصحاب کهف قبل از مسیح بوده اند.
	الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (عربی جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، قرن ۱۰)، (جلد ۴، ص ۲۱۱)	علامه اشاره دارد که از جمله اختلافات دیگر این است که در پارهای روایات دارد: ابن عباس با حبیب بن مسلم به جنگ رفته بود، در راه به همین غار برخوردند، و در آن استخوان هایی دیدند مردی گفت: این استخوان های اصحاب کهف است، ابن عباس گفت استخوان های ایشان در مدتی بیش از سی صدسال قبل از بین رفته است
	تفسیر قمی (علی بن ابراهیم قمی، قرن ۴)، (جلد ۲، ص ۳۱)	از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: ما به تو آیتها و معجزه هایی دادیم که از سرگذشت اصحاب کهف مهم تر بود، آیا از این سرگذشت تعجب می کنی که جوانانی بودند در قرون فترت فاصله نبوت عیسی بن مریم (ع) و محمد (ص)، بود، زندگی می کرده اند.
	کشف الاسرار (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، قرن ۶)، (جلد ۵، ص ۶۴۶)	روایت از امام علی (ع) که بر دین عیسی بودند
	تفسیر بغوی (حسین بن مسعود بغوی، قرن ۶)، (جلد ۳، ص ۱۷۲)	از اسحاق بن یسار نقل شده است ایشان بر دین عیسی (ع) بودند
	لباب التأویل فی معانی التنزیل (علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم بن عمر الشیخی أبو الحسن، قرن ۸)، (جلد ۳، ص ۳۵۳)	از اسحاق بن یسار نقل شده است ایشان بر دین عیسی (ع) بودند
	تفسیر گازر (ابوالمحسن حسین بن حسن جرجانی، قرن ۸)، (جلد ۵، ص ۳۶۰)	از اسحاق بن یسار نقل شده است ایشان بر دین عیسی (ع) بودند
	تفسیر صافی فیض اشائی (محمد محسن فیض کاشانی، قرن ۱۱)، (جلد ۳، ص ۳۲۱)	نقل مطلب از تفسیر قمی
	تفسیر شریف لاهیجی (محمد بن علی اشکوری، قرن ۱۱)، (جلد ۲، ص ۸۷۲)	نقل مطلب از تفسیر قمی
فاصله میان حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)	تفسیر نورالثقلین از حویزی (عبد علی بن جمعه العروسی حویزی، قرن ۱۱)، (جلد ۴، ص ۵۰۷)	حدیث امام صادق (ع) در تفسیر قمی: در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، ابی ارفع از پیامبر حدیثی نقل کرده مبنی بر اینکه در زمان اردشیر دو خداوند جوان مردان اصحاب کهف و رقیم را برانگیخت
	کنز الدقائق و بحر الغرائب (جلد ۸، ص ۳۹)	حدیث امام صادق (ع) در تفسیر قمی
	تفسیر روایی البرهان (سید هاشم بحرانی، قرن ۱۱)، (جلد ۳، ص ۶۱۷)	اشاره به حدیث علی بن ابراهیم قمی
	تفسیر المیزان (جلد ۳، ص ۳۸۶)	اشاره به حدیث علی بن ابراهیم قمی
	فتح البیان فی مقاصد القرآن (سید محمد صدیق خان قنوجی بخاری، قرن ۱۴)، (جلد ۴، ص ۱۹۲)	به صورت غیر مستقیم زمان را مطرح می کند که بعد از بعثت حضرت عیسی (ع) است به این صورت که ابن عباس آورده در رقیم نوشته شده اصحاب کهف تمسک به دین حضرت مسیح بوده اند و بقیه مردم کافر بودن و غیر خدا را می پرستیدند
	تفسیر نور (محسن قرآنی، قرن ۱۴)، (جلد ۵، ص ۱۴۳)	اشاره به زمان بین حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)
	تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (سیده نصرت بیگم امین اصفهانی، قرن ۱۴)، (جلد ۸، ص ۸)	با توجه به تفسیر میر محمد کریم که از تواریخ استنباط نموده آمده است که بعد از بعثت حضرت عیسی (ع) بوده است.
	صفوه التفاسیر (محمد علی صابونی، قرن ۱۴)، (جلد ۲، ص ۱۶۹)	اصحاب کهف، بعد از زمان حضرت عیسی (ع) بوده است

با توجه به جدول (۱) عمده مطالب عنوان شده در چهار بخش دسته بندی میگردد: ۱- این قصه، داستانی کهن است که قدمت بسیار دارد و به پیش از میلاد مسیح با فاصله چندین قرن برمی گردد و این داستان به سرگذشت یهودی نزدیک تر است تا مسیحی ۲- در زمان بین موسی (ع) و عیسی (ع) دانسته اند ۳- حادثه اصحاب کهف پس از پیدایش مسیحیت در ایام ملوک الطوائفی رخ داده است ۴- میان دوره فترت از بعثت حضرت عیسی (ع) تا بعثت حضرت محمد (ص) است. بر اساس تطابق صورت پذیرفته در کل این پژوهش و با توجه به بررسی سیر تفاسیر و منابع تاریخی و جغرافیایی بیان شده در قرون مختلف اسلامی می توان مطرح کرد که عمده منابع معتقدند که این واقعه در زمان فترت و فاصله زمانی میان حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) رخ داده است.

۲- مکان وقوع قصه اصحاب کهف

مکان وقوع قصه اصحاب کهف نیز یکی از مباحث پرمناقشه در میان مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان است. خداوند متعال در قرآن کریم به پناه بردن اصحاب کهف به غار و فرورفتن آنان به خواب عمیق اشاره نموده است. محققین و پژوهش گران بنا بر داستانها مطروحه محل اصحاب کهف یکی از دو شهر افسوس (Ephesus) یا ابسوس واقع در ترکیه می دانند. در منابع شهر افسوس در آسیای صغیر معرفی شده و از مراکز مهاجرین یونانی بود (مینوی، ۱۳۲۸: ۱۰۰) و شهری نزدیک ساحل دریای اژه است (حاج منوچهری، ۱۳۹۸: ۱۷۸/۱). جرجی زیدان تردیدی درباره اینکه کهف در افسوس بوده نداشته است (زیدان، ۱۹۲۲م: ۷۲/۳). برخی دیگر از پژوهشگران بر این باورند که آنها در محلی نزدیک عمان کاخهایی داشتند و در آنها مقیم می شدند و آن محل را وادی رقیم گویند و بقایای این کاخها کشف شده است در مورد محل غار اصحاب کهف دو احتمال قوی وجود دارد: نخست آنکه این غار در نزدیکی شهر افسوس بوده که هم اکنون ویرانه های آن نزدیک شهر ازمیر ترکیه است و دوم آنکه این غار در نزدیکی پایتخت اردن در روستایی به نام رجب است که هم اکنون مسجدی بالای آن غار وجود دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۱۲). عمان شهری است در اطراف شام و مرکز سرزمین بلقا است و کهف و رقیم در نزدیکی آن است. (المجدوب، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۵۵). در منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیایی در مورد موقعیت جغرافیایی غار اصحاب کهف، مناطق مختلفی ذکر شده که در جدول (۲) به بررسی نظرها در این باره پرداخته شده است:

جدول ۲- دیدگاه مفسران، مورخان و جغرافی نویسان در مورد مکان رخداد واقعه ی اصحاب کهف

مکان رخداد واقعه ی اصحاب کهف	منبع روایت بر اساس قرن	زمان و روایت
شهر افسوس از شهرهای یونان	جامع البیان فی تفسیر القرآن، قرن ۴ق (جلد ۹، ص ۹۳۹)	عبد الله عباس گفت: اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند
	تفسیر التحریر و التتویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (محمداطاهر ابن عاشور، قرن ۱۴) (جلد ۱۵، ص ۲۲)	این بحث را به تفسیر طبری ارجاع می دهد
سرزمینی میان غنضیان و ایله قبل از فلسطین	تفسیر کبیر طبرانی (ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب طبرانی، قرن ۳-۴ق) (جلد ۴، ص ۱۵۲)	در معنای رقیم اشاره شده: آن سرزمینی است پیش تر از فلسطین و شهر آنان افسوس نام دارد
	تفاسیر تبیان و کشف و البیان (ابواسحاق احمد بن محمد نملی نیشابوری، قرن ۵) (جلد ۷، ص ۱۱)	روایت ابن عباس را نقل می کند (اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند)
	روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (ابوالفتح رازی، قرن ۶) (جلد ۱۲، ص ۳۱۱)	روایت ابن عباس را نقل می کند (اصحاب الکهف مردمانی بودند از شهر یونان از شهری که او را افسوس می خواندند)
	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (زمخشری، قرن ۶ق) (جلد ۲، ص ۷۰۵)	...که آنجا مکان آن هاست و بین غنضیان و ایله در نزدیکی فلسطین می باشد
	تفسیر شریف البلال القلاقل (محمد بن ابی الفضل محمد حسنی واعظ، قرن ۸) (جلد ۲، ص ۶۵)	در تائید تفاسیر مجمع البیان، کشف و کشف الاسرار اشاره دارد که قول اصح روایت ابن عباس است
	تفسیر ابن کثیر (اسماعیل بن عمرو ابن کثیر، قرن ۸) (جلد ۵، ص ۱۲۵)	اینکه آن شهر در نزدیکی ایله قرار دارد اشاره می کند
	الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد سیوطی، قرن ۱۰) (جلد ۵، ص ۳۴۹)	اشاره می کند به سخن ابوالفتح رازی: در معنای رقیم روایت عبد الله عباس را آورده است. صاحب گازر در ادامه اشاره می کند که نام آن شهر افسوس است. و گوید در آن بیخاوس، و غاری که جوانان در آن مأوا گرفتند جیرم نام داشت
	در المنثور سیوطی (جلد ۵، ص ۳۴۳)	اشاره می کند به روایت ابن عباس که از طریق ابن جریر و ابن ابی حاتم از طریق العوفی از ابن عباس آورده شده
	روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (محمود بن عبدالله الوسی، قرن ۱۳ق) (جلد ۸، ص ۲۰۱)	اشاره به روایت ابن جریر و ابن ابی حاتم از طریق العوفی از ابن عباس آمده. همچنین آورده که افسوس از شهرهای آسیای صغیر است و امروز جزء کشور ترکیه در جنوب ازمیر و در عرض شمالی ۳۸ درجه نزدیک ساحل دریای روم و در قدیم معبدی در آنجا ساخته بودند که خرابه های آن هنوز باقی است. صحیح همان افسس است از شهرهای آسیای صغیر و فعلاً دهی به نام سلجوک و جزء دولت عثمانی ترکیه است
	الاساس فی التفسیر (سعید حوی، قرن ۱۴ق) (جلد ۶، ص ۲۱۶۵)	روایت ابن عباس آمده است.
شهر افسوس در روم (بندری مشهور در آسیای صغیر)	تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم (نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم السمرقندی، قرن ۴ق) (جلد ۲، ص ۳۳۶)	اشاره می کند که: در حدیثی از ابن عباس آمده که اصحاب کهف در شهر افسوس در روم زندگی می کردند
	التنبیه و الإشراف (علی بن حسین مسعودی، قرن ۴ق) (ص ۱۲۲)	جوانان اصحاب کهف از داقیوس گریختند و به یکی از کوه های روم بنام خاوس بفاصله یک هزار ذرع در شرق شهر افسوس پناه بردند. این شهر بر ساحل دریای روم بوده و اکنون دریا از آن دور شده است
	مروج الذهب (علی بن حسین مسعودی، قرن ۴ق) (ص ۳۰۰ و ۳۱۸)	و اینان از شهر افسوس در کشور روم بودند محل غار در شمال سرزمین روم است.
	آثار الباقیه (محمد بن احمد ابوریحان بیرونی، قرن ۵ق) (ج ۱، ص ۴۵۰)	معتصم شخصی را با سفیر خود به دربار روم همراه کرد و او جایگاه اصحاب کهف را دید و ایشان را با دست لمس کرد و این خبر معروف است گرچه این شخص که با دست خود ایشان را لمس کرد محمد بن موسی بن شاکر است در این شک می کند که آیا همین مردگان اصحاب کهف بودند و یا اشخاص دیگری بوده اند
	الجغرافیه (ابوعبدالله محمد بن ابوبکر زهری، قرن ۶ق) (ج ۱، ص ۲۳)	گزارش می دهد در سال ۵۳۲ ق اصحاب کهف را در نزدیکی لوشه در ناحیه غرناطه زیارت کرده است
	معجم البلدان (یاقوت حموی، قرن ۷ق) (ج ۱، ص ۷۳)	شهر افسوس در رم، شهری است در حدود طرطوس که گفته می شود شهر اصحاب کهف است
	جهان نامه (محمد بن نجیب بکران، قرن ۷ق) (ج ۱، ص ۱۰۷)	خلیفه عباسی الواثق بالله، محمد بن موسی یکی از خواص خود را به رسالت روم فرستاد تا موضع ایشان (اصحاب کهف) این کهف بین عموریه و نیقیه واقع است (معلوم کند و کیفیت حال ایشان مشاهده کند
	کشف الاسرار و عدة الاثر، قرن ۱۲ق (جلد ۵، ص ۶۴۹)	مسکن ایشان زمین روم بود در شهر افسوس، گفته اند که آن شهر امروز طرسوس نام دارد
	تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، قرن ۶ق (جلد ۳، ص ۱۷۳)	شهر اصحاب کهف افسوس نام دارد در ملک روم
	تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل (علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی (خازن)، قرن ۸ق) (جلد ۳، ص ۱۵۳)	مانند تفسیر سمرقندی روایت ابن عباس می آورد
	تفسیر روح البیان، قرن ۱۲ق (جلد ۵، ص ۲۱۹)	آورده است که: کهف غاری است جیرم نام واقع در کوه تبخالوس از حوالی شهر افسوس که در ممالک روم واقع است
	نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن (شیخ محمد نهالوندی، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۱۱۰)	اشاره دارد که: اصحاب کهف در شهر افسوس از بلاد روم زندگی می کرده اند و نام کوهی که در آن پنهان شده اند ینجیلوس است
	فتح البیان فی مقاصد القرآن (محمد حسن خان فتوحی بخاری، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۱۹۲)	همین مطلب را بیان می کند و ادامه می دهد که در نزد عرب نام شهر را طرطوس میگویند

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ. سال بیستم. شماره هفتاد و هشت (۷۸) - پاییز ۱۴۰۴

	حجۃ التفسیر و بلاغ الاکسیر (سید عبد الحجت بلاغی، قرن ۱۴ق) (جلد ۱۵، ص ۱۲۷)	روایت محمد بن اسحاق را بیان می کند.
	جامع البیان فی تفسیر القرآن، قرن ۴ق (جلد ۴، ص ۱۸۶)	اشاره می کند به روایت حسن بن ابی الحسن دیلمی با حذف اسناد از ابن عباس که روایت کرده گفت در دوره عمر جمعی از دانشمندان یهود نزد او آمده گفتند. امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد بفرمائید، قومی که در این دنیا زندگانی می نمودند و مدت سیصد و نه سال پس از فوت به اذن پروردگار مجدداً زنده شده و به دنیا بازگشتند آن ها که بودند و در کجا واقعه روی داده است؟ فرمودند حبیب محمد(ص) به من فرموده: در زمین روم شهری بوده بنام افسوس ...
	تفسیر حدائق الحقایق (معین الدین فراهی هروی، قرن ۱۰ق) (جلد ۱۶، ص ۲۹۳)	به تفسیر روح البیان اشاره دارد.
	التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت (ماجد ناصر زبیدی، قرن ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۲۵۵)	به داستانی اشاره می کند که در آن امیرالمؤمنین (ع) اشاره دارد که اصحاب کهف در زمین روم و در شهر افسوس می زیستند
اشاره به اسم شهر افسوس	تفسیر صفوه التفسیر، قرن ۱۴ق (جلد ۲، ص ۱۶۹)	اشاره دارد به اینکه اصحاب کهف در شهری از بلاد روم به نام طرطوس بوده اند
	تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکَرِیم (ابومحمد عبدالله بن محمد بن وهب دینوری، قرن ۴ق) (جلد ۱، ص ۴۷۱)	فقط به این اشاره شده است که آنان اهالی شهر افسوس بوده اند
	تاریخ الرسل و الملوک (محمد بن جریر طبری) (ج ۲، ص ۵۲۲)	به افسوس به عنوان محل زندگی جوانان کهف اشاره دارد
	المحبر محمد ابن حبیب (ابوجعفر محمد بن حبیب، قرن ۳ق) (ج ۱، ص ۳۵۶)	اسم شهری که در آن زندگی می کردند (افسوس) بود.
	روضۃ الصفا خواند میر (محمد بن خاوند، قرن ۱۰ق) (ج ۱، ص ۱۰۷)	این غار در شهر افسوس واقع است
	اخبار الطوال (دینوری، قرن ۳ق) (ج ۱، ص ۴۳)	بندر افسیس در نزد جغرافی نویسان قدیم به نام افسوس یا افسوس معروف بود و چون غار اصحاب کهف که ذکر آن در قرآن آمده در آنجا بوده شهرتی داشته است
	مجمع البیان (بوعلی فضل بن الحسن الطبرسی، قرن ۵ق) (جلد ۱۵، ص ۱۶)	فقط اشاره به شهر افسوس دارد
	تفسیر نسفی (ابوحفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی، قرن ۴-۵ق) (جلد ۳، ص ۱۹)	بیان می کند که آنان اهالی شهر افسوس بودند
	تفسیر منهج الصادقین (فتح الله کاشانی، قرن ۱۰ق) (جلد ۵، ص ۳۱۹)	اشاره دارد که: از ابن شحاک و ابن عباس روایت است که آن شهر افسوس است که غار جیرام واقع در کوه بناقلوس آنجا است
	تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قرن ۱۲ق (جلد ۱، ص ۴۱)	به تفسیر مجمع البیان رجوع شود
اشاره به اسم دیار روم	بیان السعادة فی مقامات العبادۃ (سلطان محمد گنابادی، قرن ۱۳-۱۴ق) (جلد ۸، ص ۳۸۲)	علاوه بر افسوس می گوید: و شاید نامش طرطوس بوده است
	المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز (بن عطیه اندلسی، قرن ۴ق) (جلد ۳، ص ۴۹۷)	جوانان اصحاب کهف، از دیار روم بوده اند
	المعارف (ابن قتیبه، قرن ۴ق) (ج ۱، ص ۵۴)	آن ها جوانمردانی از روم بودند
	البحر المحيط فی التفسیر (ابوحیان غرناطی، قرن ۷-۸ق) (جلد ۷، ص ۱۴۲)	اشاره به بلاد روم دارد
رقیم در عمان	تفسیر التعلابی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن (ابوزید تعلابی، قرن ۸-۹ق) (جلد ۳، ص ۵۰۹)	فقط اشاره به سرزمین روم دارد.
	الاساس فی التفسیر (سعید حوی) (جلد ۶، ص ۲۱۶۵)	اشاره دارد به روایتی از ابن اسحاق که آن سرزمین روم بوده است
	احسن التفسیر فی معرفة الاقالیم (المقدسی، قرن ۴)	رقیم، دهستانی است در یک فرسخی عمان در اعماق دره در آن غاری است که دو در کوچک و بزرگ دارد و ادعا می کند کسی که از در بزرگ آن وارد می شود نمی تواند از در کوچک آن داخل شود. اما هر کس آنچه را که مقدسی ذکر کرده می خواند می بیند که مقصود مقدسی آن نبوده که بگوید این غار همان کهنی است که آن جوانان بدان پناه گرفتند و در آن به خواب رفتند چه او داستان دیگری درباره سه نفری نقل می کند که پیامبر خدا از آنان سخن گفته است
	معجم البلدان، حموی (ج ۱، ص ۱۰۱)	عمان شهری است در اطراف شام و مرکز سرزمین بلقا است و کهف و رقیم در نزدیکی آن است

بر اساس دیدگاه‌هایی که در تفاسیر، منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی در طول قرن‌ها گفته شده است، مکان غار اصحاب کهف در چند ناحیه از جمله شهر افسوس در یونان یا روم و سرزمینی میان غضبان و ابله قبل از فلسطین، رقیم در عمان بیان گردیده است. اما با بررسی و تحلیل های صورت گرفته اغلب مورخین و مفسرین و جغرافی نویسان این واقعه را در شهر افسوس می دانند. لیکن در اینکه این شهر در کجا واقع شده است نیز اختلاف نظرانی در میان سه گروه مطروحه وجود دارد که با جمع بندی همه دیدگاه‌ها و دلایل و نظراتشان این واقعه در شهر افسوس در سرزمین روم اتفاق افتاده است.

۳- آیین اصحاب کهف

منابع مختلف در باب آیین اصحاب کهف به عنوان الگویی اخلاقی و ایمانی برای مسلمانان مباحثی و نظریات مختلفی را ذکر کرده است. آن‌ها به عنوان نمونه‌ای از افرادی که در مواجهه با شرایط دشوار و ظلم و زور، به ایمان و اصول اخلاقی خود پایبند ماندند و در اغلب منابع تاریخی و تفاسیر قرآنی، پیروان اصحاب کهف به عنوان یکی از گروه‌های اولیه و بنیادین ایمان به خدا در تاریخ توصیف شده‌اند با اینکه آیین آن دوره را عمدتاً بت پرست معرفی می‌کنند (بهمنش، ۱۳۷۵: ۱/۱۸۴). در روایات مسیحی با وجود تمامی اختلافاتی که در مورد اصحاب کهف وجود دارد اما در اینکه آن‌ها مسیحی بوده‌اند هیچ شکی نبوده است (المجدوب، ۱۳۸۰: ۱/۹۹). در منابع مفسرین، مورخین و جغرافی نویسان اسلامی نظرات مختلفی بیان شده است که در جدول شماره (۳) به جمع بندی دیدگاه‌ها و نظرات آنان پرداخته است که بدین شرح است:

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ. سال بیستم. شماره هفتاد و هشتم (۷۸) - پاییز ۱۴۰۴

جدول ۳- دیدگاه مفسرین، مورخان و جغرافی نویسان در مورد آیین اصحاب کهف

آیین اصحاب کهف	منبع روایت	زمان و روایت
بالیمان و خداپرست بودن اصحاب کهف	تفسیر قمری (جلد ۲، ص ۳۲)	امام صادق (ع) می‌فرماید که اصحاب کهف و رقیم در زمان پادشاهی جبار و ستمگر زندگی می‌کردند که اهل مملکت خود را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد و هر که سر باز می‌زد او را می‌کشت، و اصحاب کهف در آن کشور مردمی بالیمان و خداپرست بودند. پادشاه مأمورینی در دروازه شهر گمارده بود تا هر کس خواست بیرون شود، اول به بت‌ها سجده بکند، این چند نفر به‌عنوان شکار بیرون شدند، سپس امام فرمود: اصحاب کهف به‌عنوان شکار بیرون آمدند، اما درواقع از کیش بت‌پرستی فرار کردند
	تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق (جلد ۱، ص ۳۳۴)	اشاره به خداپرست بودن اصحاب دارد
	تفسیر طبری (جلد ۹، ص ۹۴۰)	پادشاه و مردم شهری که اصحاب کهف در آن زندگی می‌کردند، بت‌پرست بودند. ایشان اصحاب کهف را دعوت کرد و گفت دین شما چیست؟ اینجا بود که اصحاب اظهار مسلمانی و خداپرستی کردند
	تفسیر شریف البلبائل القلاقل (جلد ۲، ص ۲۶۸)	اشاره به مشرک بودن پادشاه و ترغیب و تهدید مردم به پرستش بت‌ها و پرستش خداوند توسط اصحاب کهف دارد
	تفسیر صافی (فیض کاشانی، قرن ۱۱-۱۲ق) (جلد ۴، ص ۲۵۴)	به حدیث علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) در تفسیر قمری اشاره دارد
	نورالثقلین (عبد علی بن جمعة العروسی، قرن ۱۱ق) (جلد ۹، ص ۵۰۴)	به حدیث علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) در تفسیر قمری
	تفسیر روح البیان (جلد ۵، ص ۲۱۹)	اصحاب کهف مردمی خداپرست بوده و از ترس پادشاه جبار و بت‌پرست فرار کردند.
	فی ظلال القرآن (سید قطب، ۱۴ق) (جلد ۴، ص ۴۲۰)	نگاه که پادشاه به ایشان تکلیف بت‌پرستی و سجده به بت کرد این جوانان ایستادگی کردند و گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، جز او دیگر معبودی را نمی‌پرستیم
	بیان السعادة فی مقامات العبادة (جلد ۸، ص ۳۶۹)	روایتی از عیاشی آورده است که امام صادق (ع) فرمودند: اصحاب کهف و رقیم در زمان پادشاه جباری بودند که مردم را به پرستش بت وادار و مجبور می‌کرده و هر کس که اطاعت نمی‌کرد به قتل می‌رسانید، اصحاب کهف خدا را می‌پرستیدند
	تفسیر المیزان (جلد ۱۳، ص ۲۸۸)	اصحاب کهف و رقیم جوانمردانی بودند که در جامعه‌ای مشرک که جز بت‌ها را نمی‌پرستیدند، نشو و نما نمودند. چیزی نمی‌گذرد که دین توحید محرمانه در آن جامعه راه پیدا می‌کند، و این جوانمردان بدان ایمان می‌آورند
	تفسیر القرآن العزیز المسمی - تفسیر عبدالرزاق، قرن ۳ق (جلد ۱، ص ۲۳۴)	از معمر از اسماعیل بن شروس از وهب بن منبه اشاره به حواری حضرت عیسی (ع) دارد که به آن شهر آمده ولی اشاره مستقیم به اینکه آیا آیین اصحاب مسیحی بوده یا خیر، نکرده است.
مسیحی بودن اصحاب کهف	روحه الصفا، میرخواند	خداوند درایه ۹ سوره کهف درباره اصحاب کهف خبر داده که ایشان تنی چند بودند که به خدای یگانه ایمان آورده بودند و از قوم خود که پرستش خدایان دیگر می‌کردند بیزاری می‌جستند... آن جوانان که ایمان به خدا آورده بودند به دین مسیح بودند
	ناسخ التواریخ سپهر (ج ۱، ص ۲۴۰)	آنان به دین مسیح معتقد بودند
	تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم (جلد ۲، ص ۳۳۶)	از ابن عباس آورده که پادشاه بت‌پرست بوده و مردم را نیز به بت‌پرستی اجبار می‌کرده است. همچنین بابیان روایت وهب بن منبه اشاره به ورود حواری حضرت عیسی (ع) به آن شهر را دارد.
	فسیر کبیر، طبرانی، قرن ۳-۴ق (جلد ۴، ص ۱۵۳)	با اشاره به حدیثی از محمد بن اسحق یسار برای اولین بار به‌صورت مستقیم اشاره به مسیحی بودن اصحاب کهف دارد. به این صورت که: پادشاه طاعی به بت‌پرستیدن مشغول بود، و برای طواغیت قربانی می‌کرد. مردم که اهل انجیل بودند نیز به انحراف کشیده شده و پادشاه نیز به آنان فشار آورده و عذاب می‌کرد، در میان ایشان جماعتی بودند که بر دین عیسی (ع) متمسک بودند.
	تفسیر ابن وهب- المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم (جلد ۱، ص ۴۷۱)	مالک شهر یعنی پادشاه مجوسی بوده است
	تفسیر مجمع البیان (جلد ۱۵، ص ۱۶)	دقیانوس بت‌پرست بود و مردم را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد و مخالفان را می‌کشت ولی جوانان به خدا ایمان آورده بودند. برخی گویند: وی مجوسی بود و مردم را بدین مجوس دعوت می‌کرد و جوانان مسیحی بودند
	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (جلد ۲، ص ۷۰۷)	مردم در زمان اصحاب کهف مثل سایر مشرکین، هم خدا را می‌پرستند و هم الهه را، یعنی برای خدا شریک قرار می‌دادند.
	اطیب البیان (عبدالحسین طیب، ۱۴ق) (جلد ۸، ص ۳۳)	سلطان آن‌ها دقیانوس بوده که بعضی گفتند مجوسی بود و بعضی گفتند بت‌پرست بود و هر که برخلاف طریقه او بود به قتل می‌رسانید
	تفاسیر روض الجنان و بغوی (ج ۳، ص ۱۷۳)	به روایت محمد بن اسحق بن یسار درباره آیین اصحاب کهف اشاره می‌کند
	تفسیر منهج الصادقین (جلد ۵، ص ۲۲۰)	اشاره به روایت محمد بن اسحق بن یسار دارد.
	تفسیر کنزالدقائق (جلد ۸، ص ۴۱)	به مطلب تفسیر مجمع البیان اشاره می‌کند
	تفسیر روح المعانی (جلد ۱، ص ۲۰۱)	از ابن عباس آورده است که اصحاب کهف متمسک به دین عیسی (ع) بود
	تفسیر التحریر و التئور (جلد ۱۵، ص ۲۱)	غالب مردم آن سرزمین بر طریقه روم شرقی به پرستش بت‌ها مشغول اند و تعدادی هم نصرانی بودند

با توجه به دیدگاه‌هایی که برای آیین اصحاب کهف در طی زمان و سیر تفاسیر وجود دارد اکثر منابع و مستندات تاریخی و جغرافیایی و تفسیری بر این باور می باشند که آنان مردانی خداپرست و باایمان بوده که به دین حضرت عیسی(ع) ایمان داشته و از آن پیروی می کرده‌اند.

نتیجه گیری

با مرور بر منابع مطالعاتی مختلف در خصوص واقعه اصحاب کهف، این نتیجه گیری کلی را می توان مطرح نمود:

زمان واقعه: قرآن در بسیاری از روایت‌ها، خواننده را در برابر حوادث تاریخی قرار می دهد، ولی به زمان وقوع حادثه اشاره نمی کند و از عنصر زمان در داستان پردازی به اندازه ضرورت و اقتضای موقعیت برای تأمین هدف بهره می برد. با بررسی های صورت پذیرفته و تحلیل بر اساس منابع مفسران، تاریخ نویسان و جغرافی نویسان، یک جمع بندی کلی می توان ارائه داد مبنی بر اینکه واقعه اصحاب کهف در زمان فترت (فاصله بین بعثت حضرت عیسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)) رخ داده است.

مکان واقعه: هر چند در بسیاری از روایت های قرآن مکان رویدادها بنا بر قرائن مشخص است، اما قرآن لزوماً به مکان‌ها اشاره نمی کند و بر همین اساس نام مکان های وقوع حادثه و سرزمین اصحاب کهف در قرآن ذکر نشده است و یا حتی ایشان به جای آنکه به موطن اصلی خود نسبت داده شوند، به غار نسبت داده می شوند و خداوند آنان را «اصحاب کهف» می نامد. با بررسی و تحلیل منابع تفسیری، تاریخی و جغرافیای عمدتاً آنان بر این عقیده اتفاق نظر دارند که این واقعه در شهری به نام «افسوس» روی داده است. البته علی رغم تفاوت در موقعیت جغرافیایی شهر افسوس از دیدگاه مفسرین، مورخان و جغرافی نویسان، عمده این منابع بر شهر افسوس در روم تأکید دارند.

آیین اصحاب کهف: با بررسی صورت گرفته در منابع و مستندات تفسیری و تاریخی و جغرافیایی اکثر دیدگاه های موجود بر این امر نظر واحدی دارند که اصحاب کهف مردانی خداپرست و باایمان بودند که اغلب منابع آنان را بر دین مسیح (ع) میدانند.

فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم». دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون. چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق، لبنان- بیروت.
۲. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، محقق مالک محمودی، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳ ق. قم- ایران.

۳. ابن عاشور، محمد طاهر، « تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان: بیروت.
۴. ابن عطیه الاندلسی، ابو محمد، « المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز »، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ ه. ق. لبنان: بیروت.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، « المعارف (ابن قتیبه)»، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲ م. مصر-القاهره.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر « تفسیر القرآن العظیم»، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ه. ق. لبنان- بیروت.
۷. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق. مشهد.
۸. ابوحیان، محمد بن یوسف، « البحر المحیط فی التفسیر»، دار الفکر، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان- بیروت.
۹. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، «آثار الباقیه»، مترجم: دانا سرشت، اکبر، امیر کبیر، ۱۳۸۶. تهران- ایران.
۱۰. اشکوری، محمد بن علی، «تفسیر شریف لاهیجی»، مصحح: جلال الدین، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳. تهران - ایران.
۱۱. امین نصرت، بیگم، «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن». بینا. بیجا. بی تا.
۱۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، «البرهان فی تفسیر القرآن»، مؤسسه البعثه، چاپ اول: ۱۴۱۵ ق. قم.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر روایی البرهان، مقدمه نویس: شریف، ابوالحسن بن محمد طاهر، مترجم: ناظمیان، رضا، گنجیان خناری، علی، و خورشاه، صادق، نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور، ۱۳۸۹. تهران-ایران.
۱۴. بخاری، صدیق حسن خان، «فتح البیان فی مقاصد القرآن». دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چ اول ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان-بیروت.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود «تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل»، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق. لبنان-بیروت.
۱۶. بکران، محمد بن نجیب، جهان نامه، بازنویسی: ایرانی، اکبر، صفی‌نژاد، جواد، مختارپور قهرودی، علیرضا، اهل قلم. ۱۳۸۲. تهران-ایران.
۱۷. بلاغی، سید صدرالدین، قصص قرآن همراه با فرهنگ قصص قرآن، امیرکبیر، ۱۳۹۳. تهران.

۱۸. بهمنش، احمد، تاریخ یونان قدیم: از آغاز تا جنگ پلوپونز، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵. تهران.
۱۹. پاکتچی، احمد، آزمودنی بر خوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب کف، صحیفه مبین، شماره ۴۹، ۱۳۹۰.
۲۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد «تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن». دار إحياء التراث العربی : ۱۴۱۸ هـ. ق. لبنان-بیروت.
۲۱. ثعلبی، احمد بن محمد، «الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی»، دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۲۲ هـ. ق. لبنان-بیروت.
۲۲. ثعلبی، احمد بن محمد، عرائس المجالس، بی نا، ۱۴۰۱ق. بیروت.
۲۳. جرجانی، حسین بن حسن، «تفسیر گازر»، گردآوری: عطاردی قوچانی، عزیز الله، مصحح: محدث، جلال الدین، بیجا: بینا، ۱۳۷۸ق
۲۴. حاج منوچهری، فرامرز، اصحاب کف، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸. تهران.
۲۵. حسنی واعظ، محمود بن محمد، «تفسیر شریف البلال القلاقل»، احیاء، ۱۳۷۶ هـ. تهران.
۲۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، «تفسیر روح البیان»، دار الفکر ، چاپ اول. بیتا. لبنان - بیروت.
۲۷. حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، مترجمان: منزوی، علی نقی، جوزی، محمد، و مهرپرور، اصغر، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). ۱۳۸۰. تهران-ایران.
۲۸. حوی، سعید، «الاساس فی التفسیر» ، دار السلام، ۱۴۲۴ هـ. ق، مصر-القاهره.
۲۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، «نورالثقلین»، به تصحیح هاشم، رسولی، اسماعیلیان، ۱۴۱۵هـ. ق. قم.
۳۰. خازن، علی بن محمد. لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازن). ۴ ج. دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۵-۱۹۹۵. لبنان-بیروت.
۳۱. خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، میر خواند، محمد بن خواند شاه، و هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، روضه الصفا، دار الطباعه خاصه جدیدة. ۱۲۷۰. تهران-ایران
۳۲. دمیری، محمد بن موسی، حیاء الحیوان الکبری، مصحح: بسج، احمد حسن، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵-۱۹۹۴م. بیروت-لبنان
۳۳. دینوری، عبدالله بن محمد، «الواضح فی تفسیر القرآن (تفسیر ابن وهب)» ، محقق احمد فرید، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق-۲۰۰۳م. بیروت-لبنان.

۳۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، اخبار الطوال، محقق محمد عبدالمنعم عامر-جمال الدین شیال، الشریف رضی، ۱۳۷۳ش.قم.
۳۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، «تفسیر قرآن مهر»، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن. ۱۳۸۷. ه. ش.قم.
۳۶. زبیدی، ماجد ناصر، «التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایه اهل البیت»، دارالمحجّه البیضاء، ۱۴۲۸ق-۲۰۰۸م. بیروت-لبنان.
۳۷. زمخشری، محمود، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.بیروت.
۳۸. زهری، محمد بن ابی بکر، الجغرافیه، ترجمه: قرچانلو، حسین، و حاج صادق، محمد. ج ۱. ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۸۲. تهران.
۳۹. زیدان، جرجی. العرب قبل الإسلام. ج ۱. مطبعة الهلال. ۱۹۲۲م. قاهره-مصر.
۴۰. سپهر، محمدتقی بن محمد علی. ناسخ التواریخ. اسلامیة. ۱۳۵۱-۱۳۶۳. تهران-ایران.
۴۱. سمرقندی، نصر بن محمد «تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم»، دار الفکر، ۱۴۱۶ق، بیروت.
۴۲. سید قطب، ابراهیم، «فی ظلال القرآن»، درالشروق، ۱۴۱۲ق، بیروت-القاهره.
۴۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) اول: ۱۴۰۴ ه. ق.قم.
۴۴. صابونی، محمد علی، «صفوه التفاسیر»، دار الفکر، چاپ اول: ۱۴۲۱ ه. ق.بیروت.
۴۵. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، «تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق»، دار المعرفه اول: ۱۴۱۱ه.ق.لبنان-بیروت.
۴۶. طباطبائی، محمدحسین، «تفسیر المیزان»، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.ایران-قم.
۴۷. طبرانی سلیمان بن احمد، «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)»، دارالکتاب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸م.اردن-اربید.
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، «تفسیر مجمع البیان»، ترجمه احمد بهشتی، تصحیح موسوی دامغانی، فراهانی، ۱۳۵۹، تهران.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، «تفسیر جوامع الجامع»، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.مشهد.
۵۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، تهران - ایران، بی تا، جهان.

۵۱. -----، «جامع البیان فی تفسیر القرآن تفسیر الطبری»، دار المعرفه، چاپ اول: ۱۴۱۲ ه.ق. لبنان - بیروت.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، «التبیان فی تفسیر القرآن»، مقدمه نویس: آقابزرگ تهرانی، مصحح محمد محسن، و عاملی، احمد حبیب. ۱۰ ج. دار إحياء التراث العربی. بیروت-لبنان.
۵۳. طیب عبد الحسین، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، اسلام، چاپ ۲: ۱۳۶۹ ه.ش. تهران-ایران.
۵۴. فراهی هروی، معین الدین، «تفسیر حدائق الحقایق»، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه.ش. تهران.
۵۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «تفسیر الصافی»، مصحح: اعلمی، حسین، مکتبه الصدر. ۱۳۷۳. تهران-ایران.
۵۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات. چاپ اول: ۱۳۶۸ ه.ش. تهران.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر قمی»، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ه.ش. قم.
۵۸. قنوجی بخاری، محمد حسن، «فتح البیان فی مقاصد القرآن»، مکتبه العصریه، ۲۰۰۸ م. بیجا.
۵۹. کاشانی فتح الله بن شکر الله، «منهج الصادقین»، کتابفروشی اسلامیه، چاپ اول ۱۳۰۰ ه.ش. تهران.
۶۰. گنابادی (سلطانعلیشاه)، محمد، «تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد»، ترجمه سید محمود طاهری، آیت اشراق، ۱۳۹۶-۱۳۹۷. تهران.
۶۱. .
۶۲. گیبون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراطوری روم، مترجم: ابوالقاسم طاهری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، ۱۳۷۳. تهران.
۶۳. ماتریدی، محمد بن محمد، «تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)»، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول: ۱۴۲۶ ه. ق. لبنان- بیروت.
۶۴. ماوردی، علی بن محمد، «النکت والعیون تفسیر الماوردی»، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول بی تا. لبنان-بیروت.
۶۵. المجدوب، احمدعلی، اصحاب کهف در تورات و انجیل و قرآن، ترجمه محمدصادق عارف، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰. مشهد.
۶۶. مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والإشراف. ج ۱، مطبعة بریل. ۱۸۹۳ م، لیدن - هلند.
۶۷. -----، مروج الذهب و معادن الجوهر، مؤسسه دار الهجره. ۱۴۰۹ ق.م-ایران.

۶۸. مقدسی، بوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مترجم: علیتقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱. تهران.

۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، نویسنده آشتیانی، محمدرضا، دار الکتب الاسلامیه. تهران-ایران. ۱۳۷۴. تهران-ایران.

۷۰. میدی، احمد بن محمد، «کشف الاسرار و عدة الابرار»، امیر کبیر، ۱۳۷۱، تهران.

۷۱. مینویی، مجتبی، ۱۳۲۸، چگونه بیوه زن پارسا تسلی یافت؟، منبع: یغما سال دوم خرداد ۱۳۲۸ شماره ۳ (پیاپی ۱۳)

۷۲. نسفی، عمر بن محمد، «تفسیر نسفی»، تهران- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش اول: ۱۳۷۶ ه. ش.

۷۳. نهاوندی، محمد، «نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن»، موسسه البعثه مرکز الطباعة و النشر. چاپ اول: ۱۳۸۶ ه. ش. قم.

۷۴. Gibbon, Edward (1776-1789): "The History of the Decline and Fall of the Roman Empire", 6 volumes, Strahan & Cadell, Londo

۷۵. Nicholas Sims-Williams. "The Christian Sogdian Manuscript", C2, BTT 12, Berlin. Idem 1988: "Syro-Sogdica III: Syriac Elements in Sogdian", Acta Iranica, 28 (green leaf), pp 145-156. 1985.